

گاهنامه علمی - پژوهشی

شماره ۱ تابستان ۹۹

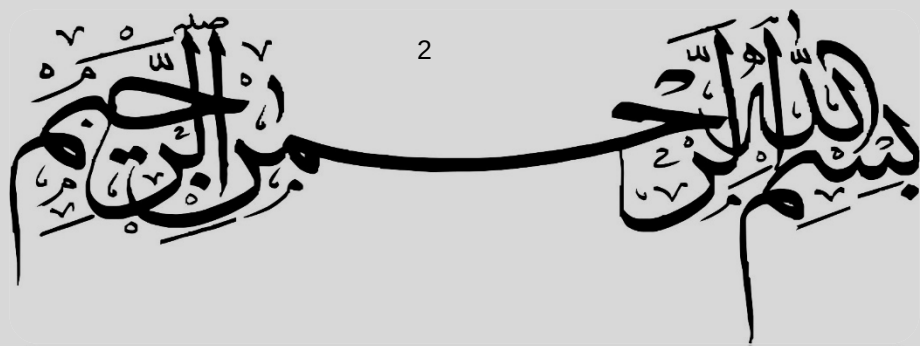
شمیم وحی

گاهنامه علمی - پژوهشی حوزه علمیه حضرت رقیه سلام الله علیها

عشق و نماز



نور هدایت انسان



گاهنامه علمی_پژوهشی

شماره ۱ تابستان ۹۹

شمیم و ح

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت رقیه سلام الله علیها

مدیرمسئول: سرکار سیده صدیقه موسوی

سردبیر: سرکار خانم کفایت آلبوشوکه

هیئت تحریریه: سرکار خانم خدیجه تژده ، اکرم شریفی ، کفایت آلبوشوکه ،

سحر سپید کارمنزه

ویراستاری و تنظیم: سرکار خانم سحر سپید کارمنزه

نشانی: خوزستان _ شهرستان رامهرمز _ خیابان ولیعصر(عج) _ جنب مسجد جامع _

مدرسه علمیه حضرت رقیه سلام الله علیها

تلفن: ۰۶۱_۴۳۵۳۸۲۳۰

ایمیل: h.roghayee.1383@gmail.com



فهرست مطالب

- ۱..... مناجات نامه
- ۲..... سخن سردبیر
- ۳..... پاتوق اطلاعات شهدا
- ۵..... ایستگاه کتاب
- ۷..... پژوهش روانشناسی یک دقیقه ای
- ۹..... پژوهش شرعی
- ۱۲..... گزارش تصویری از فعالیت های پژوهشی
- ۱۶..... فعالیت های علمی در پژوهش
- ۱۸..... پژوهشی در قرآن
- ۲۰..... پژوهشی درباره غدیر
- ۲۳..... پژوهشی درباره کرونا
- ۲۸..... پژوهشی در سواد رسانه ای

الهی ، خوشدلم که از درد می نالم، که هر دردی را درمان نهاده
ای.

الهی، دیده را به تماشای جمال خیره کرده ای، دل را به دیدار
ذوالجمال خیره گردان.

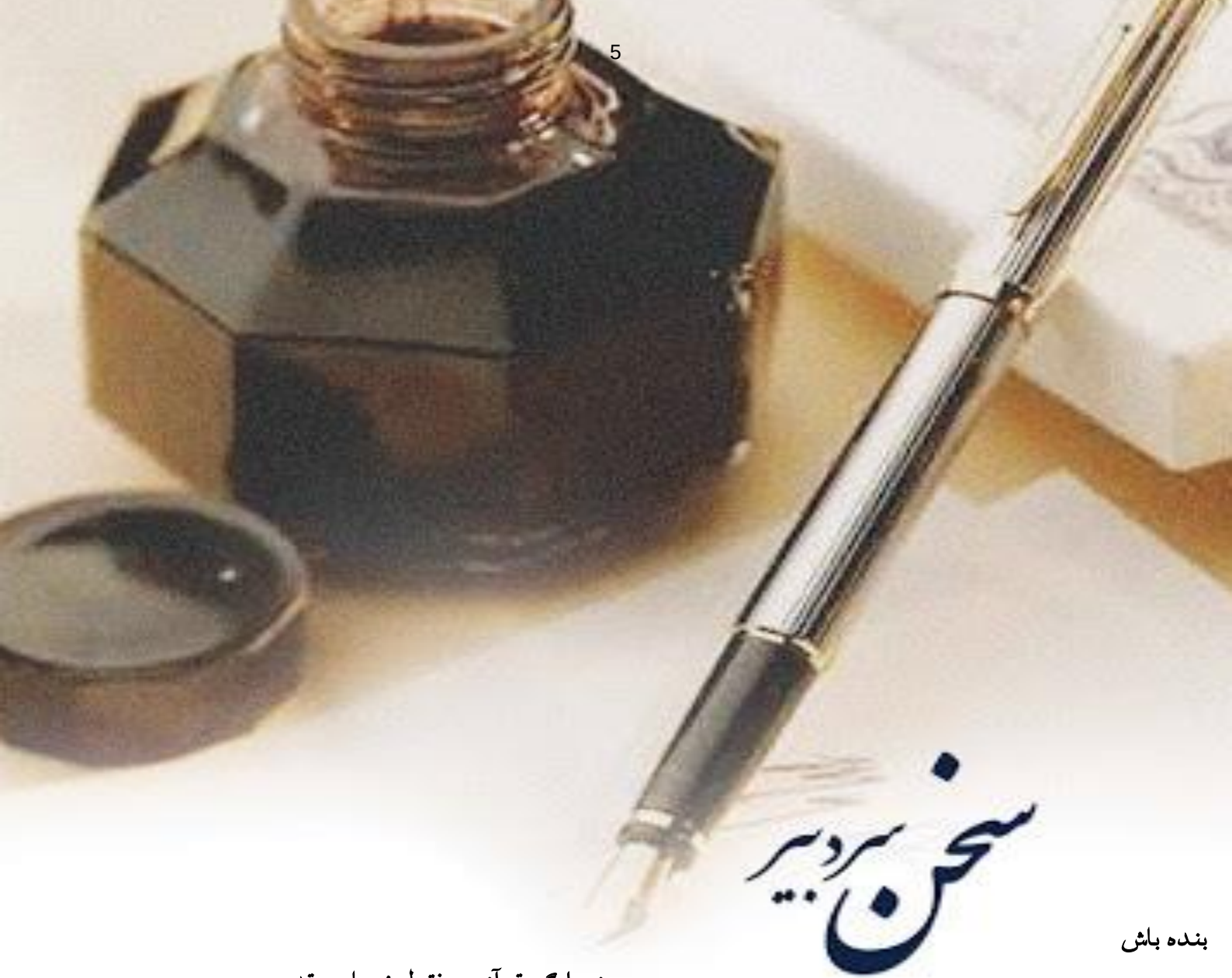
الهی، شکرت که دولت صبرم دادی تا به ملکت فقرم رساندی.

الهی، شکرت که از تقلید رستم و به تحقیق پیوستم.

الهی، به فضیلت، سینه بی کینه ام دادی، به وجودت شرح صدرم
عطا بفرما.

الهی، اگر چه درویشم، ولی دارا تر از من، کیست، که تو دارایی
منی.

الهی، در ذات خودم متحیرم تا چه رسد در ذات تو.



سخن بر دیر

بنده باش

آب باید بره توی برگ تاسبز و شاداب بشه

و گرنه روی برگ باشه که فایده ای

نداره تازه بدتر میپوسه

میگی نه

امتحان کن

از درخته يك برگ بچین و بزار توی

ظرف آب

چند روز دیگر برو تماشا کن

قرآن مثل آب، آب حیات

و ما هم مثل همون برگ هستیم

یعنی اگر قرآن رو فقط شبهای_قدر رو
سرمون بذاریم سبز نمیشیم حیات هم پیدا
نمی‌کنیم

برای اینکه حیات پیدا کنیم قرآن رو
باید ببریم تو ذهن و قلب و زندگی
خودمون.

یعنی هر چی قرآن می‌گه ما باید بگیریم؛
چشم

اسم اینو میزارن بندگی

و قرآن هم از ما همین رو می‌خواهد

وَاعْبُدْ رَبَّكَ (حجر، ۹۹)

بندگی کن پروردگارت را

ناگفته های درباره سردار دل ها

امام جمعه رفسنجان یکی از نزدیک ترین افراد به شهید سپهبد سلیمانی، مطالب تازه ای از روحیه و رویه آن شهید والامقام بیان کرد.

از رفسنجان حجت الاسلام اصغر عسکری، در جلسه شورای اداری بیان کرد: شهید سلیمانی ۴۰ سال در میدان مبارزه تلاش کرد و سرانجام در دشت کربلا به دست شقی ترین اشقیا به شهادت رسید و ادامه دهنده نهضت سرخ امام حسین (ع) شد؛ خداوند در آیه ۳۳ سوره اسرا می فرماید: هرکس مظلوم کشته شود؛ ما به او لیا دم او سلطه و قدرتی عطا می کنیم و شما در انتقام گیری اسراف نکنید.

امام جمعه رفسنجان افزود: این آیه در مورد شهید سردار سلیمانی مصداق دارد؛ سردار را بنده از قبل از اینکه وارد سپاه شود می شناسم؛ من تابستان ها سپاه بودم و زمستان ها به تحصیل می رفتم؛ شوهر خواهر ایشان، مسئول گزینش در یکی از شب های سال های ۵۸ و ۵۹ که جایی مهمانی بودیم گفت فردی آستین کوتاه می خواهد عضو سپاه شود بپذیریم او را یا نه؟ گفتم اسمش چیست؟ گفت قاسم سلیمانی؛ گفتم بپذیرید من شناخت داشتم نسبت به این شهید؛ ارزش سردار نه به درجه اش بود که سرلشگر شد؛ نه به جایگاهش که فرمانده تیپ و لشکر و سپاه قدس شد بلکه ارزش حاج قاسم سلیمانی به خاطر ویژگی های بارز و شاخص اخلاقی اش بود. وی ادامه داد: در مراسم عزاداری چه مناسبت برای مادرشان و چه برای خانواده شان و چه مناسبت های عمومی شهادت های ائمه معصومین من سخنان محافل خانوادگی ایشان بودم و گفتم حاج قاسم اگر امکان دارد یک تنوعی در انتخاب سخنان تان بدهید و یکی دیگر را انتخاب کنید ایشان در جواب گفتند می دانم که من را می کشند و شهید می شوم؛ می خواهم تا زنده هستم این جلسات باشد و خیالم از بابت سخنان راحت باشد و دغدغه ای نداشته باشم و شما قبول کنید؛ سال گذشته هم آخرین مراسم شان، مراسم ایام فاطمیه را در خدمت شان بودم با اخلاص و عنایت ویژه ای که به حضرت زهرا داشت ذکر یا زهرا از زبان ایشان دور نمی شد.

عسکری با بیان اینکه رهبر انقلاب هم از ایشان به عنوان شهید زنده یاد می کردند؛ گفت: شهید سلیمانی متعلق به خانواده خود و ایران نبود متعلق به جبهه مقاومت در دنیا بود لذا با شهادتش انکار همه مردم جزو خانواده این شهید شدند و لحظه شماری می کرد که شهید شود او به خیل یاران شهیدش پیوست. وی ادامه داد: روزی بعد از اقامه نماز صبح در حالت خواب و بیداری بودم و در خیال خود ایشان را دیدم که جلوی درب میدان شورای کرمان ایستاده بود و با هم نظاره گر ماشین هایی بودیم که تابوت های شهدا را حمل می کردند؛ در این حالت دیدم شهدا بیرون آمدند و به وی احترام نظامی گذاشتند؛ من به حاج قاسم گفتم این شهدا دارند به شما احترام می گذارند ایشان آن موقع حواسش نبود و با گفته من به شهدا احترام گذاشت؛ از فاصله خواب و بیداری یکساعت گذشت و من به لشکر ثارالله آمدم و به شهید سلیمانی رسیدم که در این روز ۳۰۰ نفر از شهدا تفحص شده بودند و حاج قاسم گفت تعدادی از شهدای مفقودالاثر شناسایی شدند؛ برویم بالای سر آنها؛ در میانه راه گفتم حاج قاسم در خواب صبحی دیدم که شهدا به شما احترام می گذاشتند چیزی نگفت، وقتی رسیدیم به تابوت های شهدا حاج قاسم به شهدا احترام نظامی گذاشت و شاید ربع ساعت گریه کرد و اشک ریخت و ما به زور توانستیم او را از شهدا جدا کنیم

امام جمعه رفسنجان افزود: حاج قاسم سلیمانی رزمنده ای واقعاً جهادی بود، همه کوه ها و روستاها و تپه ها ما با هم بودیم گفتم حاجی اینقدر تلاش نکنید گفت همه شماها و مسئولینی که در مسئولیت ها هستید کاری جهادی کنید لذا این شهید سر از پا نشناخته خدمت و کار می کرد، دیر یا زود این مسئولیت ها به پایان می رسد تذکر من و شما بی اعتبار خواهد شد ارزش سردار نه به درجه اش و نه به جایگاه فرماندهی اش و نه به مسائل مالی بود ارزش سردار از درون خودش می جوشید و آدمی متدین بود.

ناگفته های درباره سردار دل ها

حجت الاسلام عسکری با اشاره به اینکه حاج قاسم خیلی از اسرار زندگی خود را به من می گفت: روزی به من گفت حقوقی که می گیرم ۱۵ روز کفاف می دهد بقیه را باید از پدرم کمک بگیرم، حتی یک روز که از مأموریت زاهدان برمی گشت قرار بود به لشکر ثارالله برویم من با او که می رفتیم به لشکر ثارالله، چند شکلات در جلوی ماشین بود {ببینید توجه و دست پاکی حاج قاسم چقدر زیاد بود} که از من پرسید این شکلات ها را راننده برای مأموریت گرفته لذا بچه من موقعی سوار ماشین می شود می تواند از این شکلات ها بخورد یا نه؟ شکلاتی که چقدر ارزش دارد منم گفتم همینقدر می دانم که " رهبری به فرزندشان سر سفره ای که برای دیگران انداخته بودند اذن داد که شما بروید در خانه غذا بخورید این غذا برای مهمان است و فرمودند حتی از قلم بیت المال امضای شخصی استفاده نمی کنم " که حاج قاسم فهمید چه می گویم.

وی با اشاره به اینکه حساب های خمسی حاج قاسم سلیمانی دست من بود و انسانی مؤمن و معتقد بود، افزود: یکی از دوستان خانه ما بود و از من پرسید مرز دوست داشتن و عزیز بودن حاج قاسم چیست که همه دوستش دارند گفتم ایشان تواضع فوق العاده دارد، مثال زدم که روزی پیرمردی به بیت الزهرا ایشان برای فیض بردن از مراسم روضه آمده بود وقتی داشت می رفت حاج قاسم از حسینیه بیرون آمد و از کوچه به خیابان آمد و از داخل بیت الزهرا تا کوچه و خیابان پشت سر این پیرمرد با پای برهنه آمد کسی که برای خدا تواضع کند خدا او را عزیز می کند لذا شما ببینید روز ۱۳ دی ماه چه غوغای خودجوشی در تبریز، مشهد مقدس و ... بود مردم را کسی فراخوانی نکرده بود نماز جمعه قم شلوغ بود طوری که راه بندان بود این محبوبیت سردار از درجه سرلشکری نبود ایشان با تمام وجود مخلص و پیرو رهبری بود.

عسکری ادامه داد: حاج قاسم به ریز مسائل شرعی اهمیت می داد لذا دیری نمی پاید که پرونده خدمتی ما هم بسته می شود؛ امام صادق (ع) فرمود: کسی که دور خانه خدا ۷ دور طواف کند خدا ۷۰ هزار گناهش را پاک می کند و ۷۰ هزار ثواب در پرونده اش می نویسد و ۷۰ هزار درجه به او عطا می کند لذا عبدالله بن جوفی از تعجب پرسید یک ربع بیشتر زمان نمی برد، هفتاد هزاران بار ثواب نوشته می شود؟ و امام صادق فرمودند چیزی بالاتر از این هم هست اینکه هرکس یک حاجت و مشکل را از برادر دینی و مردم حل کند چه حاجت مادی، چه مالی و چه دینی و ... ۱۰ بار از طواف بهتر است پس شما در سیستمی دارید کار می کنید که ۴۰۰ هزار نفر در رفسنجان با شما سرو کار دارند این اعتباری که نظام به ما داده مشکل مردم را حل کنیم تا محبوب دلها شویم.

سید شهیدان مقاومت
شهید پیر حاج قاسم سلیمانی

پنجره های تشنه

نویسنده: مهدی قزلی

ناشر: سوره مهر

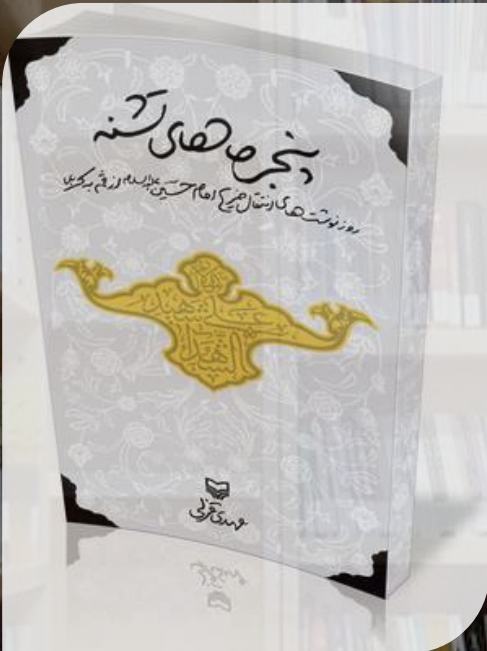
متن تقریظ مقام معظم رهبری:

"بسم الله الرحمن الرحيم"

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست

این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست

ای شعله ای فروزان، ای فروغ تابان، ای گرمابخش دلهای خلاق، تو کیستی با این شکوه و جلال، با این شیرینی و دلنشینی، با این هیبت و اقتدار، با این همه لشکر دل به همراه، با غلغله ی فرشتگان که در کنار موکب تو با آدمیان رقابت میکنند؟ تو کیستی ای نور خدا، ای ندای حقیقت، ای فرقان، و ای سفینه النجاه؟ چه کرده ای در راه خدایت که پادشاه آن خدایی شدن هر چیزی است که به تو نسبت می رساند؟ بنفسی انت، بروحی انت، بمهجه قلبی انت، و سلام الله علیک یوم ولدت و یوم استشهدت مظلوما و یوم تبعث فاخرا و مفخرا. ۹۳/۲/۲۹ بسیار خوب و با ذوق و سلیقه نوشته شده است، و با نگاه هنرمندانه و کنجکاو و نکته یاب. خواندم تا ۹۳/۲/۲۸



معرفی کتاب: روز نوشت های انتقال ضریح جدید امام حسین علیه السلام از قم به کربلا

مرحوم حاج محمد دانش آشتیانی یکی از خیرین قمی بود که بعد از فروپاشی نظام صدام راه عتبات را در پیش گرفت و خدمتگزار آستان مقدس معصومین مدفون در عراق شد، از بردن لوستر و فرش برای حرم های ائمه گرفته تا برگزاری مراسم جشن و عزاداری در آنجا. رفت و آمدهای عاشقانه اش در این مسیر باب رفاقتی بین او و متولیان عراقی، به ویژه مسئولان حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام گشود. در سال ۱۳۸۴ حاج محمد از طریق دوستانش در آستان قدس حسینی مطلع شد که تولیت، به دلیل فرسودگی ضریح مطهر و تعدی متجاوزان بعضی به آن، قصد دارد ضریح جدیدی بسازد و جایگزین ضریح فعلی کند.

«پنجره های تشنه» حاصل روایتگری مهدی قزلی از اتفاقاتی است که شاید هر صد سال یکبار رخ دهد. کتابی با «ادبیات ساده و بی غل و غش» درست مانند تمام شخصیت ها و کاراکترهایی که در صفحه به صفحه کتاب می آیند و خود را به «ضریح حسین علیه السلام» می رسانند و تبرک می جویند و می روند.

سفر به قبله

نویسنده: هدایت الله بهبودی
ناشر: سوره مهر



سفر به قبله :

نویسنده : هدایت الله بهبودی

ناشر : سوره مهر

تقریظ مقام معظم رهبری :

«این کتاب مرا باز در شور و حال حسرت آلود زیارت خانه ی خدا و حرم رسول الله(ص) فرو برد. شور و حال و اشتیاقی که دیگر امیدی هم با آن نیست. تا به یاد دارم_ از سال های دور جوانی_ هرگز دل خود را از آتش این اشتیاق، رها نیافته ام. اما حتی در دوران سیاه اختناق که هر روحانی با معرفت و بی معرفت، با رغبت یا حتی از سر سیری، آسان نمیتوانست در خط حج قرار بگیرد... و من نمیتوانستم، یا بهتر بگویم: هیچ حمله دار و رئیس کاروانی از ترس ساواک شاه، نمی توانست و جرئت نمی کرد نام مرا در فهرست حاجی های خود_ چه رسد به عنوان روحانی کاروان_ بگذارد. بله، حتی در آن دوران سخت هم دلم از امید زیارت کعبه و بوسه زدن بر جای پیامبر(ص) در مکه و مدینه، خالی نمانده بود... و این امید، اگرچه با حج ده روزه سال ۵۸ که به فضل شهید محلاتی قسمتم شد، برآورده گشت، اما آتش آن شوق سوزنده تر و مشتعل تر شد... در سال های ریاست جمهوری چشم امید به پس از آن دوران دوخته بودم... اما امروز...؟ شور و اشتیاقی بی سکون و امیدی تقریباً فرو مرده... تنها تسلی خواندن این گونه سفرنامه ها یا شنیدن آن هاست که خود باز افزاینده شوق من است.»

این کتاب شیرین، موجز، با روح و هوشمندانه نوشته شده است. زیارت قبول عزیز نویسنده. ۷۰/۱۲/۱۰

معرفی کتاب :

این کتاب گزارش سفر هدایت الله بهبودی و چند تن از دوستانش به کعبه است. این نخستین مراسم حج پس از کشتار ایرانیان در مکه به سال ۱۳۶۶ بوده و نخستین نگاه نویسنده به این مراسم معنوی. در ابتدا نویسنده کمال ناباوری خود را از تشریف به این سفر شرح می دهد و دریچه های امید را به قلب انسان می گشاید که وقتی او بخواهد میشود؛ به همین سادگی که این متن را میخوانی. در ادامه ملاقات نویسنده با آقای خامنه ای شرح داده شده است. نویسنده در این کتاب گزارش روزانه سفر خود را نوشته است و لحظه به لحظه انسان در موقعیت قرار می دهد. نویسنده دو نوع نگاه دارد سعودی ها با ایرانی ها و سیاست های آنها در کمربند جلوه دادن جنبه های مذهبی و در عوض رونق دادن بازاریابی محصولات اروپایی و آمریکایی و چینی و... دارد. نگاه مذهبی به توصیف لحظه های ناب عرفانی، رنگ باختن تعلقات دنیوی و برابری انسانها اعم از فقیر و غنی و رئیس و مرئوس و زن و مرد، وعده ها و شروط با خدا، توصیف جزء به جزء لحظات احرام، برائت از شیطان و وسوسه هایش دارد که انسان را مشتاق سفر به آن دیار میکند.

هیچ وقت يك "تشكر" خشك و خالی تحویل شنونده ات نده

همیشه آن را تبدیل کن به "ممنونم به خاطر..."

آدم ها اغلب آنقدر از عبارات خشك و خالی "ممنون" استفاده می کنند

. که دیگر حتی به زحمت آن را می شنوی

وقتی که روزنامه ی صبح را می خریم .

يك "ممنونم" خشك و خالی به فروشنده که بقیه ی پولمان را پس می دهد می گوئیم

آیا این همان "ممنونی" است که به عزیزی می گویی که شام خوشمزه ای برایت پخته است؟

پس در موقعیت مناسب، همراه با عبارت "ممنونم" خود دلیل تشکرت را هم ذکر کن

ممنونم که صبر کردی -

ممنونم که انقدر مهربونی -

ممنونم که منو تنها نداشتی -

ممنونم که به فکر زندگیمون هستی -

ممنونم به خاطر اینکه اومدی -

ممنونم که درک میکنی

سه نکته مهم برای موفقیت و پیشرفت در زندگی:

یکی از بزرگترین چالشها، کسب موفقیت و پیشرفت در زندگی است، خیلیها باور نمیکنند که بتوانند پیشرفت کنند اما واقعیت این است که آنها میتوانند با انجام بعضی از کارهای ساده در مسیر پیشرفت قرار بگیرند. پیشرفت کردن بیشتر از هر چیزی به نگرش ما بستگی دارد تا کارهایی که انجام میدهیم، در ادامه به چند نکته مهم میپردازیم که باعث میشود روند پیشرفت سریعتر اتفاق بیفتد

زندگی هدفمند

انسان تنها موجودی است که دارای قدرت تفکر است، اما بیشتر انسانها از این قدرت خدادادی استفاده نمیکنند و تقریباً تمام زندگیشان با عکسالعمل به اتفاقات و حواشی زندگیشان سپری میشود و در نهایت، یک زندگی معمولی یا خیلی بد را تجربه میکنند، قرار نیست ما هم جزو آنها باشیم، به شرط اینکه بخواهیم از این قدرت استفاده کنیم و بهترین راه برای موفقیت و پیشرفت در زندگی، این است که ابتدا بخواهیم و تصمیم بگیریم که هدفمند زندگی کنیم.

تمرکز کردن

امروزه عواملی که باعث حواسپرتی ما میشود بسیار زیاد شده، تکنولوژی هم به این امر دامن زده و آن را تشدید کرده، تلفن، موبایل، اینترنت، شبکههای اجتماعی، تبلیغات و دهها مورد دیگر، یکی از مهمترین عوامل موفقیت و پیشرفت این است که این حواسپرتیها را از خودمان دور کنیم و روی پیشرفت تمرکز کنیم.

حذف موانع ذهنی

تا اینجا مواردی که باعث میشود بتوانیم پیشرفت کنیم و موفقیت کسب کنیم را بررسی کردیم، علاوه بر اینکه باید بعضی از کارها را انجام دهیم تا پیشرفت کنیم، لازم است مواردی که مانع پیشرفت ما میشود را هم شناسایی کرده و آنها را حذف کنیم.

نکته آخر برای موفقیت و پیشرفت در زندگی این است که باید این سه کار یعنی هدفمند زندگی کردن، تمرکز کردن و حذف موانع ذهنی را همزمان انجام دهید، در اصل هر سه این کارها مهارت است و مهارت هم فقط با تمرین و تکرار به دست میآید، پس ناامید نشوید. و پیشرفتتان ادامه دهید

حکم خرید فروش پایان نامه

مطابق نظر آیت الله خامنه ای

پرسش: به بنده پیشنهاد انجام یک پایان نامه که متعلق به شخص دیگری است و وقت انجام آن را ندارد شده است، آیا پولی که میگیرم حلال است؟

پاسخ: به طور کلی کیفیت انجام پروژه و تألیف پایان نامه تابع قوانین و مقررات مربوطه است؛ اگر طبق مقررات، باید توسط خود دانشجو تألیف شود، واگذاری آن به دیگری جایز نیست، همچنان که انجام آن برای دیگری و کسب درآمد از آن، جایز نیست.

منبع: استفتاء سایت هدانا از دفتر مقام معظم رهبری.

حکم کسب درآمد از طریق پایان نامه نویسی

پرسش: کسب درآمد از طریق نوشتن پایان نامه برای دیگران چه حکمی دارد؟

پاسخ: کسب درآمد از این طریق جایز نیست (راهنمایی دانشجویان خوب است ولی بجای آنها نوشتن جایز نیست)

منبع: سایت هدانا برگرفته از استفتائات آیت الله العظمی مکارم شیرازی

مطابق نظر آیت الله سیستانی

پرسش: برای خیلی از دانشجویان پایان نامه می نویسم و بابت آن پول دریافت می کنم آیا این کار جایز است و حقوقش حلال است؟

پاسخ: اگر بر خلاف مقررات دانشگاه باشد اصل عمل و پول آن محل اشکال است.

منبع: سایت هدانا برگرفته از استفتائات آیت الله العظمی سیستانی

پولی که از طریق نوشتن پایان‌نامه برای دیگران به دست آمده، چه حکمی دارد؟

با سلام با توجه به این‌که برخی مراجع گرفتن پول و نوشتن پایان‌نامه دانشجویی را جایز نمی‌دانند پولی که از این طریق به دست آورده شد و برخی پس انداز و برخی خرج شد چه باید کرد؟

پاسخ اجمالی: با توجه به اینکه نوشتن پایان‌نامه در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات، جهت ارزیابی علمی افراد صورت می‌گیرد، سپردن این کار به افراد دیگر (طوری که عرفاً آن پایان‌نامه نتیجه علمی فرد محسوب نشود) نوعی تقلب و ادعای بدون واقعیت به شمار می‌آید و بر خلاف قوانین و مقررات مربوطه است؛ لذا این عمل جایز نبوده و أخذ پول در مقابل آن نیز جایز نیست. البته برخی از مراجع تقلید، معتقدند در صورت رضایت صاحبان پول، تصرف در آن اشکالی ندارد. ضمانم:

پاسخ مراجع عظام تقلید نسبت به این سؤال، چنین است:

(مد ظله العالی) حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

تابع قوانین و مقررات مربوطه است؛ و در صورتی که خلاف قوانین و مقررات دانشگاه باشد جایز نیست؛ و أخذ پول در مقابل عملی که مخالف قوانین و مقررات است جایز نیست

(مد ظله العالی) حضرت آیت الله العظمی سیستانی:

تصرف با رضایت صاحبان پول اشکال ندارد

(مد ظله العالی) حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

در مورد سؤال، عمل فی نفسه اشکالی ندارد. بلی، اگر تبعات سوء داشته باشد، مثلاً فتح بابی برای اشتباه کاری در بعضی از امور یا اختلال نظام یا بعضی ادعاهای بدون واقعیت یا گول زدن اشخاص و هر تالی فاسد دیگری از این جهت باشد، جایز نیست.

(مد ظله العالی) حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

این عمل جایز نیست و تصرف در آن پول، اشکال دارد

(مد ظله العالی) حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی:

باید به صاحبانش برگردانده شود

پژوهش شرعی

حکم تقلب کردن چیست؟ آیا در قیامت عذاب دارد؟ اگر مسئول یا معلم راضی باشد چطور؟ آیا اگر بعد از امتحان، درس مورد نظر خوانده شود مشکل برطرف می‌گردد؟

تقلب کار نادرستی است و اگر حقی از کسی ضایع شود یا خلاف مقررات نظام کسی مرتکب شود، بلکه مستحق عذاب است. اگر مسئول یا معلم یا حتی شاگرد دیگر که از روی دستش می‌نویسد راضی باشد این تأثیری در مسئله ندارد. یعنی اگر کسی تقلب می‌کند، آن فردی که او را کمک می‌کند، معلم باشد یا از شاگردان باشد، راضی باشد یا نباشد، تأثیری در این مسئله ندارد. اگر بعد از امتحان جبران کند آیا حکمش برطرف می‌شود؟ اصل حکم تقلب نه؛ زیرا به هر حال کاری است که نباید تکرار کند، ولی تبعاتش قابل جبران است. مثلاً فردی که درس نخوانده یا کم درس خوانده و با تقلب مدرک گرفته و الان در حد آن مقطع تحصیلی معلومات ندارد و می‌خواهد با همین مدرک استخدام شود، خوب اگر برود درس بخواند و شرایط دیگر استخدامی را هم داشته باشد، استخدامش ایرادی ندارد و حقوقی هم که می‌گیرد مانعی ندارد؛ اما اگر به مقدار آن مقطع تحصیلی که به خاطر آن پذیرش می‌شود، درس نخوانده و معلومات ندارد، به هر حال شرایط را ندارد و استخدامش صحیح نیست.

گزارش تصویری از فعالیت های پژوهشی



کرسی آزاد اندیشی با موضوع: پژوهشی در

مهارت های برنامه ریزی در امتحانات و یادگیری



فعالیت های طلاب مدرسه حضرت

رقیه سلام الله علیها در هفته پژوهش



سیر مطالعاتی ، سطح ۱ ، آثار شهید مطهری (ره) ، خلاصه ای از

کتاب نبرد حق و باطل سیر قبلی و شروع کتاب اسلام و مقتضیات

زمان ۱،



برگزاری کرسی آزاد اندیشی با موضوع :

حضور حداکثری در انتخابات چرا؟

با حضور اساتید برجسته حوزه و دانشگاه



برگزاری کارگاه آشنایی با اصول و مبانی جشنواره علامه حلی (ره) توسط واحد پژوهش

گزارش تصویری از فعالیت های پژوهشی



فضاسازی پژوهشی در هفته پژوهش



برگزاری دومین میزگرد، با موضوع آسیب شناسی پژوهشی

و کتابخانه ای توسط طلاب پایه پنجم



جلسه کارگروه
تایید موضوعات مقالات پایانی



نشست علمی _ اخلاقی با موضوع کرونا و
ارتباط آن با

علائم آخرالزمان و ظهور _ توسط حاج آقا
فاضلی امام جمعه موقت رامهرمز بصورت
فایل تصویری

در شبکه اجتماعی فضای مجازی در گروه
پژوهشی مدرسه



تعریف مقاله

مقاله، از ریشه لغوی «قول» و در اصل به معنی گفتار است. منظور از مقاله، نوشته‌ای است که بر گرد یک «سوال» یا «مسأله» شکل می‌گیرد و در بحثی استدلالی، با ارائه مستندات و ارجاعات و به شکلی جزئی‌نگر و شفاف به پاسخ آن سوال یا مسأله می‌رسد. ساختار مقاله متفاوت از پایان نامه یا رساله است و میتواند فشرده‌ی یک تحقیق مفصل باشد.

آنچه در این جا مطرح میشود، ویژگی های نگارش مقاله علمی ترویجی و علمی تخصصی است. انواع مقاله:

الف) مقاله علمی پژوهشی

ب) مقاله علمی ترویجی

ج) مقاله علمی تخصصی

تعریف

هر تولیدی که به دنبال جستجوی حقایق و برای کشف بخشی از معارف و نشر آن در میان مردم و به قصد حل مشکلی یا بیان اندیشه‌های در موضوعی از موضوعهای علمی، از طریق مطالعات نظاممند، برای یافتن روابط اجتماعی میان پدیده‌های طبیعی به دست آید و از دو خصلت اصالت و ابداع برخوردار باشد و نتایج آن به کاربردها، روشها، مفاهیم و مشاهدات جدید در زمینه علمی با هدف پیشبرد مرزهای علم و فن آوری منجر گردد.

مخاطبین

اساتید دانشگاهها، دانشجویان دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد، پژوهشگران شاغل در مراکز علمی، تحقیقاتی و تولیدی

تعریف : این نوع مقاله به بحث و بررسی اطلاعات منتشر شده در حوزه یک موضوع، به خصوص در یک محدوده زمانی میپردازد و میتواند خلاصه‌های از مقالات و منابع موجود باشد؛ اما معمولاً سازماندهی خاص خود را دارد، خلاصه و استنتاجها را ترکیب میکند و اطلاعات را در ساختاری نو ارائه میدهد. مقاله علمی ترویجی می تواند تفسیری جدید از مقالات و کارهای قبلی ارائه دهد یا اطلاعاتی جدید را با تفسیر قبلی در هم آمیزد، یا سیر جریان پیشرفت فکری حوزه مورد بحث و مباحثات مربوط به آن را ترسیم کند .

تفاوت این نوع مقاله با مقاله علمی پژوهشی در این است که ابداع در آن وجود ندارد ولی مطالب پیشین را با بیان، روش و تفسیری جدید، مطرح میکند.

هدف : پژوهشگر در مقاله علمی ترویجی به دنبال خلاصه کردن و استنتاج مباحث و ایده‌های دیگران است، بدون اینکه چیز جدیدی به آن اضافه کند.

مخاطبین: اینگونه مجلات دستاوردهای علمی، فنی و حرفه‌ای آموزنده و جالب را به زبانی ساده برای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، دانش آموزان سالهای بالای دبیرستان، صنعتگران، مخترعین، مبتکرین و افراد دارای تحصیلات غیرکلاسیک ارائه میدهند.

مقاله علمی تخصصی

تعریف : مقاله علمی تخصصی از لحاظ علمی یک درجه پایین تر از مقاله علمی ترویجی است. در این نوع مقاله فقط به گردآوری نظاممند مطالبی پیرامون موضوع خاصی جهت تسهیل مطالعه برای مخاطبان، پرداخته میشود. در مقاله علمی تخصصی نیازی به نوآوری علمی نیست . نکته قابل توجه در مورد مجلات علمی تخصصی این است که این مجلات معمولاً هیچ گونه امتیاز و مجوز علمی را از ارگانهای زیربسط مثل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا حوزه علمیه دریافت نکرده‌اند. برای طلاب و دانشجویانی که سابقه نگارش مقاله ندارند بهتر و منطقیتر است، ابتدا با نگارش مقاله علمی تخصصی و حتی مقاله اطلاع‌رسانی کار خود را آغاز کنند.

هدف : مقاله علمی تخصصی به منظور اطلاع‌رسانی و بالا بردن آگاهیهای قشر خاصی از افراد جامعه در زمینه‌های تخصصی به چاپ مطالب میپردازند.

خداوند حکیم، همراه قرآن، آموزگارانی نیز فرو فرستاده و تفسیر و تأویل آموزه های قرآنی را بر دوش آنان نهاد. پاسداران قرآن، اهل البیت علیهم السلام نیز با رفتار و گفتار خویش، معارف قرآنی را برای مردم تبیین می کردند. آنچه از طریق معلمان حقیقی قرآن درباره ی تفسیر آیات حیات بخش قرآن نقل شده است، «روایات تفسیری» نام دارد و روشی که فقط به استفاده از این روایات در شرح و توضیح آیات بسنده می کند، روش تفسیر اثری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، براساس آیه ی ۴۴ سوره ی نحل وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (و بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است بر ایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند)، از همان آغاز نزول قرآن، به تفسیر و تبیین آیات قرآن برای مسلمانان همت گماشت، به طوری که در میان یاران و پیروان خود، یگانه مرجع و میزان تفسیر صحیح قرآن به شمار می آمد. این رویه ی نیکو، در طول سه سده ی بعدی توسط ائمه ی اطهار علیهم السلام نیز ادامه یافت. پرداختن به چگونگی استفاده از این دریای موج معارف قرآنی، کفایت ها و کمبودها و فراز و فرودهای این روش در طول تاریخ تفسیر قرآن کریم، ما را از هدف نگارش این مقاله، دور می سازد؛ اما این نکته گفتنی است که مفسران، در بهره گیری از روایات تفسیری، به دو دسته ی کلی تقسیم می شوند. برخی از مفسران بدون هیچ شرطی و بیانی تنها به نقل روایات ائمه ی اطهار علیهم السلام در ذیل آیات مربوطه می پردازند (اخباریان) و دسته ای دیگر، به همراه ذکر روایات در ذیل آیات، به شرح و توضیح و حتی گاهی نقد و بررسی سخنان آنان نیز می پردازند. ستاد مطهری به عنوان مفسری هوشمند، نقاد، اعتدال گرا و جامع نگر، با مردود دانستن شیوه ی اخباریان، بر استفاده ی روشمند از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام تأکید ورزیده است و در آثار تفسیری خود، آن را یکی از شرایط شناخت قرآن قلمداد کرده است: شرط سوم، آشنایی با سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. ایشان، به نص خود قرآن، اولین مفسر این کتاب است. مفسر یعنی بیان کننده ... طبق نظر قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود مبین و مفسر این کتاب است و آنچه از پیامبر رسیده ما را در تفسیر قرآن یاری می دهد. اما برای ما که شیعه هستیم ... روایات معتبری که از ناحیه ی ائمه علیهم السلام رسیده نیز همان اعتبار روایات معتبری را دارد که از ناحیه ی رسول خدا رسیده است.

علامه ی شهید مطهری تحت تأثیر استاد خویش علامه طباطبایی قدس سره، به روش تفسیر قرآن به قرآن به شرح و بیان آیات قرآن پرداخته و همین مسأله سبب گردیده است که ایشان کمتر به روایات توجه کنند. اغلب روایات مطرح شده در آثار تفسیری ایشان، از نوع روایات اخلاقی و دعا‌های مأثور است و در موارد اندکی، در جهت تأیید یا رد یک دیدگاه تفسیری، به روایات استناد شده است. ایشان در تفسیر آیه ی: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بَيِّدَكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران / ۲۶)، می گویند: ذلت گرفتن و عزت دادن و متقابلاً عزت گرفتن و ذلت دادن خدا، همه به مشیت اوست، اما حساب و قانون دارد و سپس به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می کنند که می فرمایند: "خداوند یکی از پیامبرانش را به سوی مردم مبعوث داشت و به او وحی فرستاد تا به آنان بگوید: مردم هر شهر و روستایی که در اطاعت خدا باشند و خداوند به آنان خوشی و نعمت عطا کند، چنانچه از نعمت ها سوء استفاده کنند، خداوند آن نعمت را از ایشان دریغ کند و به حال نخست برگرداند و آنچه را که دوست دارند از آنها بگیرد و چیزی را به آنها بدهد که برایشان ناخوشایند باشد، از سوی دیگر مردمی که در نتیجه ی گناه و معصیت، گرفتار بلا شده باشند، چون از کرده ی خود پشیمان شده و ره طاعت در پیش گرفته باشند، خداوند سختی را از ایشان برمی دارد و بلا را به خوشی تبدیل می سازد. (مطهری، ۱۳۶۵، ۱۴۰ / ۳).

استاد در تفسیر مقصود از "بیوت" در آیه ی فِی بُیُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (نور / ۳۶)، آورده اند: با توجه به قیدهایی که در این آیه آمده است روشن می شود که آن مثل، مثل انسان است. سپس به روایتی از تفسیر صافی استناد کرده اند: هی بیوتات الانبیاء و الرسل و الحكماء و ائمة الهدی و در ادامه افزوده اند: مقصود از این خانه ها، خانه های گلی و ظاهری نیست. مقصود همان انسان ها و بدن های آنهاست، یعنی این ها انسان هایی هستند که بدنشان مسجد و معبد روحشان است. در روایات ما هم هست که مقصود از این خانه ها، آنها هستند. (مطهری، ۱۳۷۲، ۱۲۰-۱۱۷ / ۴)

همچنان که روایات تفسیری، راه را برای مفسر هموار می سازند، از یک سو جریان شناسی متن و از سوی دیگر جغرافیای متن نیز همچون دو بال، حرکت در مسیر درست را برای مفسر میسر می سازند. مفسران، از "جریان شناسی" به "تاریخ تفسیر" یاد می کنند و از "جغرافیای متن" به "اسباب نزول" تعبیر می کنند. استاد مطهری، با توجه به اهمیت هر دو مورد، در موارد قابل توجهی، به بررسی تاریخچه موضوع خاصی می پردازد و یا از گزارش های تاریخی معتبر در جهت پرتوافکنی و تبیین آیه یا آیات قرآن بهره می جوید. ایشان در این زمینه می گوید:

شرط دیگر آشنایی با قرآن، آشنایی با تاریخ اسلام است، زیرا قرآن مثل

تورات یا انجیل نیست که یکباره توسط پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه شده باشد، بلکه این کتاب در طول ۲۳ سال دوران زندگی پیامبر - از بعثت تا وفات - در خلال جریان پرهیجان تاریخ اسلام نازل شده است و از همین روست که آیات قرآن به اصطلاح شأن نزول دارند.

استاد در تفسیر آیات لعان (نور / ۶ و ۵) به شأن نزول آیات، که درباره ی هلال بن امیه و همسرش نازل شده است و نیز در تفسیر آیات افک به شأن نزول آن که یکی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط منافقین مورد اتهام قرار گرفت اشاره می کند. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۵-۲۷ / ۴). استاد در تفسیر سوره ی براءت، بر استفاده از گزارش های تاریخی معتبر از منابع اهل سنت و شیعه: فتح مکه، نقض پیمان از طرف برخی از مشرکین مکه، جامعه ی دوگانه ی مکه، مأموریت دادن پیامبر به ابوبکر به عنوان امیرالحاج مسلمین، اعلام سوره براءت توسط حضرت علی علیه السلام در مراسم حج در روز عید قربان برای مشرکین مکه، مهلت چهارماهه به مشرکین مکه، نسخ برخی از آداب و رسوم اعراب جاهلی در مورد حج و تأیید برخی از آن آداب و رسوم، سخن به میان می آورد. (مطهری، ۱۳۶۵، ۲۱۸-۲۰۴ / ۳)



ولایت علی(ع) و اهل بیت(ع) است که اسلام را معنادار میکند.

ارزش خطبه غدیر در حقیقت به ارزش پیامی که در این خطبه به فرمان خدا از سوی پیامبر(ص) به مسلمانان ارائه شده نهفته است. شاید در هیچ کجای قرآن ادبیاتی که خداوند در دستور ابلاغ ولایت امام علی(ع) به رسول خدا(ص) به کار برده‌اند را نشود دید. وقتی خداوند با این فرمان تهدیدآمیز با رسول خود سخن میگوید که «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»، ادبیات تهدیدگونه‌ای است که آنچه از سوی خدا مامور به ابلاغ هستی، باید ابلاغ کنی که در غیر اینصورت گویی که هیچ کاری انجام ندادهای و تمام رسالت تو به باد می‌رود. به روشنی این آیات حکایت از آن دارد که موضوع و پیام غدیر، در تاریخ اسلام فوقالعاده حساس و سرنوشت‌ساز است.

ولایت علی(ع) و اهل بیت(ع) است که اسلام را معنادار میکند. ارزش خطبه غدیر در حقیقت به ارزش پیامی که در این خطبه به فرمان خدا از سوی پیامبر(ص) به مسلمانان ارائه شده نهفته است. شاید در هیچ کجای قرآن ادبیاتی که خداوند در دستور ابلاغ ولایت امام علی(ع) به رسول خدا(ص) به کار برده‌اند را نشود دید. وقتی خداوند با این فرمان تهدیدآمیز با رسول خود سخن میگوید که «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»، ادبیات تهدیدگونه‌ای است که آنچه از سوی خدا مامور به ابلاغ هستی، باید ابلاغ کنی که در غیر اینصورت گویی که هیچ کاری انجام ندادهای و تمام رسالت تو به باد می‌رود. به روشنی این آیات حکایت از آن دارد که موضوع و پیام غدیر، در تاریخ اسلام فوقالعاده حساس و سرنوشت‌ساز است.

اینکه اگر این پیام منتقل نشود تمام زحمات رسول خدا(ص) به هدر خواهد رفت معلوم است که تمام اسلام یک طرف است و آنچه که اسلام را کامل میکند و اسلام را معنادار میکند ولایت علی(ع) و ائمه(ع) است. لذا خطبه غدیر را میشود مهمترین پیام اسلام و پیام رسول خاتم(ص) دانست. از باب توضیح باید بگویم که همه ادیان قبل از اسلام در گذر زمان دچار تحریف و انحراف میشدند، اما هر بار که پیروان دین و آیین دچار تحریف میشدند، خداوند پیامبر جدیدی می‌آورد تا مسیر انحرافی آنها را تصحیح کند و مردم را به سوی بندگی خدا بازگرداند. اما تقدیر این بود که دین اسلام خاتم ادیان باشد. یکی از شرایط قطعی خاقیت اسلام، حفظ سلامت در گذر زمان است. یعنی برای اینکه خاتم باشد الزاما باید در گذر زمان از هر نوع تحریف مصون بماند. لذا خدا در این دین مکانیزم ویژه‌ای را قرار داد که ضامن سلامت دین باشد و اسم این مکانیزم ولایت و امامت است و غدیر در حقیقت به رسمیت شناساندن رکن امامت است. رکنی که ضامن سلامت دین و صیانت از اصالت و درستی دین در گذر زمان است. نکته دیگر اینکه پیامبر(ص) در مورد قرآن چند وظیفه دارند که عبارتند از: دریافت وحی، تلاوت، تبیین و تبلیغ آیات است و این کاری است که با خطبه غدیر انجام داد. یعنی خطبه غدیر تبیین آیات غدیر است که در قرآن کریم آمده است. در حقیقت این خطبه تبیین دو آیه سوم و شصت و هفتم سوره مائده است که یکی قبل از حادثه غدیر و دیگری بعد غدیر بر رسول خدا(ص) نازل شده است. غدیر امر مطلق و انتخاب خالص الهی است.

یکی از محورهای خطبه غدیر که فرازهای نخستین این خطبه را تشکیل میدهد، دعوت به توحید است و اشاره نسبتاً تفصیلی به توحید به نحوی پشتوانه سازی برای ارائه پیام غدیر است و اینکه تأکیدی است که ولایت امام علی(ع) امری از سوی خداوند قادر و حکیم است که فرمان او باید قبول شود.

یکی از مهمترین متون حدیثی که از پیامبر(ص) و معصومین(ع)، امروز به عنوان یک ذخیره ارزشمند معرفتی در اختیار ما قرار دارد، خطبهای است که پیامبر اکرم(ص) در روز هجدهم ذیالحجه سال هجدهم هجری در محلی به نام غدیر خم ایراد کردند و تمام رسالت بیستوسه ساله خود را در آن خلاصه کردند و بعداً این خطبه به خطبه غدیری معروف شد.

همه مسلمانان، سنت نبوی را در کنار آیات قرآن کریم به عنوان یکی از منابع اصلی و هم‌تراز معرفت دینی میشناسند. سخن پیامبر(ص) به لحاظ ارزش، به اعتبار آیه کریمه قرآنی «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»، همان ارزش کلام و حیانی قرآن را دارد و باید به خطبه غدیر همانطور نگرست که آیات و حیانی قرآن کریم را مینگریست.

خطبه غدیر اگر نه مهمترین و متواترترین سخن پیامبر(ص) خدا باشد، حداقل یکی از معتبرترین آنها است. بسیاری از علمای اهل سنت و شیعه به ویژه پاسدار حریم تشیع، علامه امینی در تحقیقات خود به تفصیل منابع فراوانی که سندهای روایی و حدیثی خطبه غدیر را اثبات میکند، آورده‌اند و به جرات میتوان گفت که این خطبه متواترترین و معتبرترین حدیث رسول خدا(ص) است. تا جایی که اگر کسی اعتبار آن را خدشهدار کند، میشود گفت که در این صورت هیچ حدیثی از ائمه(ع) قابل استناد نخواهد بود. برای اینکه هیچ حدیثی مانند خطبه غدیر پشتوانه متقن و بسیار متواتر و معتبری از محدثان و روایان سنی و شیعه ندارد. نکته مهمی که در مورد خطبه غدیر باید مورد توجه باشد جامعیت و شمولیت این خطبه است. تمام عناصری که پیامبر اکرم(ص) در این خطبه مورد اشاره قرار میدهند در یک پیوستگی و انسجام متقن و معناداری در کنار هم قرار گرفته‌اند. از آن اولین جمله تا آخرین کلمه خطبه، همه در انسجامی خاص و در حال انتقال یک پیام مشخصی هستند که قله این پیام ابلاغ رکن امامت و ولایت به عنوان یکی از ارکان سهگانه اسلام در کنار توحید و ولایت است. یعنی اگر رسول خدا(ص) در مورد توحید سخن میگویند، زمین‌ساز پذیرش بهتر پیامی است که خدا در غدیر، پیامبر(ص) را مامور کردند که به مردم ابلاغ کنند و پیامبر(ص) نیز این کار را کردند.

لذا اگر از نماز و ... سخن گفته میشود، همه در یک انسجام کاملی است که در حقیقت منظور بنده از بیان این نکته این است که هیچ کدام از گزاره‌های غدیر را نمیتوان مجرد از فضای خطبه بررسی کرد. همانطور که آیات را غیشود به صورت انتزاعی دید و باید همه را در کنار هم دید، خطبه غدیر نیز در کلیت میتواند آن پیامی که مقصود رسول خدا(ص) بود را منتقل کند.

رسول خدا(ص) فرمودند که خداوند بزرگ، عالم و آگاه به همه حوادثی است که در عالم هستی رخ میدهد، بدون اینکه برای این آگاهی یابی نیاز به تغییر مکان داشته باشد و همه مخلوقات الهی مقهور قدرت و فرمان خداوند هستند. خداوند از همه نهانها آگاه است و نسبت به همه وجدانها و درونهای انسانها احاطه کامل دارد. خداوند بر همه چیز غالب است و قدرت خدا بر هم قدرتها چیره است و هیچ چیز همچون خدا نیست و شهادت میدهم که الله، خدایی است که همه چیز در برابر عظمت او سر فرود آورده‌اند و هر چیزی در مقابل عزت نامحدود خداوند ذلیل شده است. همه چیز تسلیم قدرت خدا است و خداوند یگانه‌ای است که هرچه را اراده کند محقق میشود و اشاره به این آیه است که فرمود «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». این اراده خدا است و مقدمهای است برای این سخن نبوی که انتخاب علی(ع) و ائمه(ع)، امری الهی است و اراده‌ای است که از سوی خداوند محقق شده و رسول خدا(ص) کمترین نقشی در آن ندارد. در ادامه خطبه نیز دارد که خداوند کسی است که زنده میکند و میمیراند، غنی میکند و به فقر میرساند و به این معنا است که همه آن چیزی که قرار است تحت عنوان غدیر به مردم بیان شود امر مطلق و انتخاب خالص الهی است و اراده و مشیت خداوند است و بس.

اصلیترین پیام خطبه غدیر ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علی(ع

شاید اصلیترین پیام خطبه غدیر و این حادثه، تبلیغ و ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علی(ع) و تعیین رسمی ایشان به عنوان جانشین رسول خدا(ص) در دوره مابعد از رحلت ایشان باشد. لذا بخشهای مهمی از این خطبه به ستایش (علی(ع) و به بیان جانفشانیها و فداکاریها و تبیین مقام ایشان اختصاص یافته است. در نهایت نیز به این موضوع که خدا اراده کرده که (علی(ع) و فرزندان او را پس از او به عنوان حجج الهی و جانشینان رسول خدا(ص) تعیین کند پرداخته شده است. به فرازهایی از خطبه غدیر در این مورد میپردازیم. فرمود که ای مردم، از پذیرش ولایت (علی(ع) استنکاف نکنید که (علی(ع) هدایتگر به حق و عامل به آن است. یکی از سخنان معروف رسول خدا(ص) در مورد (علی(ع) این است که فرمود «علی با حق و حق با علی است». به نظر میرسد که نکته مهم فرمایش ایشان در این حدیث بعد از این فقره است که فرمود «هرجا که (علی(ع) باشد حق آنجا است». یعنی حق تابعی از (علی(ع) است نه برعکس. در خطبه غدیر نیز فرمود که (علی(ع) دعوت به حق کرده و باطل را نیز نابود میکند. در جای دیگری فرمود ای مردم، (علی(ع) را برتر از هر کس و هر چیز بدانید که خدا او را برتر از هر کس و هر چیز دانسته است. در خطبه دوم نهجالبلاغه امام (علی(ع) جملههای دارند که میگویند هیچ کس از این امت با اهل بیت رسول خدا(ص) قابل قیاس نیستند که آنها ستونهای دین و پایههای یقین هستند و راههای هدایت محسوب میشوند و واپس ماندگان باید خود را به آنان برسانند و پیش رفتگان نیز باید برگردند و با آنها همراهی کنند. فرمود ای مردم، ولایت (علی(ع) را قبول کنید که ولایت نصب شده و برگزیده شده از سوی خدا است. ای مردم، (علی(ع) امامی برگزیده از سوی خدا است و این اشاره به این نکته قرآنی است که قرآن، شان انتخاب امام را همچون شان انتخاب رسول، شانی الهی میداند و همانطور که انبیاء(ع) را خدا انتخاب میکند امامان را نیز خدا برمیگزیند. چنانکه فرمود

غدیر کامل کننده رسالت رسول خدا(ص)

حضرت رسول(ص) در فرازی از خطبه ارزشمند غدیر، میفرماید که اقرار میکنم بر نفس خویش به بندگی خدا و عبودیت پروردگار و شهادت میدهم به خدایی و خلافت او. بیم آن داشتم که اگر فرمانی که خدا به من داده را عمل نکنم خدا من را بر این نافرمانی عذاب کند، عذابی که هیچ کس توان دور کردن او را از من ندارد.

خداوند ابلاغ کرد که اگر آنچه به من در مورد ولایت (علی(ع) ابلاغ کرده را ابلاغ نکنم، گویا که کل رسالت خداوند را به مردم ابلاغ نکردهام و ماموریت خود را انجام ندادهام. خداوند من را از کید مردم محافظت کرد و این مسئله را تضمین نمود، آنجا که فرمود
يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
یعنی ای پیامبر آنچه بر «يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» تو فرمان داده شده را ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی گویا رسالت را ابلاغ نکردهای و مطمئن باش که تو را از مردم محافظت میکند. بعد فرمود ای مردم در تبلیغ آنچه که خداوند بر من نازل کرده است کوتاهی نکرده ام.

عدم قبول ولایت اهل بیت(ع) حبط عمل را در پی دارد

در فرازی از خطبه غدیر، رسول مکرم اسلام(ص) میفرماید که ای مردم، بدانید که (علی(ع) امامی برگزیده شده از سوی خدا است و خدا هرگز کسی را که ولایت او را انکار کند نمیبخشد. در حالی که دست (علی(ع) را در دست داشتند فرمودند هیچ کس جز برادر من امیر مؤمنان و شایسته این لقب نیست و بعد در اوج خطبه از مردم سوال کرد که چه کسی ولایتش از شما به شما بیشتر است؟ مردم گفتند ولایت خدا و رسولش بر ما بیش از ولایت خودمان به خودمان است. پس آنگاه رسول خدا(ص) فرمود مردم بدانید که هرکه من مولای اویم، (علی(ع) مولای او است و بعد دعا کرد و فرمود خدایا هرکه ولایت (علی(ع) را قبول کند و او را دوست بدارد، دوست بدار و با هرکس که با (علی(ع) دشمنی کند، دشمن باش و هرکس علی را یاری کرد تو نیز یاریاش کن و هرکس که بر او پشت کرد، او را بی یار و یاور قرار ده. فرمود ای مردم، بدانید که خداوند دین شما را با امامت (علی(ع) و فرزندان او تکمیل کرده است و هرکس امامت (علی(ع) و امامت امامان بعد از او را که تا روز قیامت حجج الهی بر مردم هستند را قبول نکند، اینان کسانی هستند که همه اعمال آنها حبط میشود و حبط یکی از کلمات بسیار مه قرآنی است. یعنی کسی که سعی میکند، اما سعی او به فنا میروند که عملش در این صورت حبط شده است.



مصادقش در کلام خدا این است که فرمود «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا». یعنی ای پیامبر(ص) به مردم بگو، میخواهید بگویم که زیانکارترین شما چه کسانی هستند؟ کسانی که تلاش میکنند و ای بسا نماز میخوانند، اما تمام سعی و تلاش آنها به باد فنا میروند و این در حالی است که گمان میکنند کار درست را انجام میدهد، و پیامبر(ص) فرمود شرط قبولی اعمال، قبولی ولایت ائمه(ع) است و این را در سخنان دیگر رسول خدا(ص) و در سخنان دیگر ائمه(ع) نیز داریم که اگر عمر نوح را داشته باشید و با زبان روزه در مقام ابراهیم(ع) بین رکن و مقام نماز بخوانید، اما ولایت (علی(ع) و فرزندان او را قبول نداشته باشید و از دشمنانش برائت نجوید، حتی دو رکعت نماز شما نیز قبول نخواهد شد.

اما بر شما علت نزول این آیه را تبیین میکنم و پیامبر(ص) میگویند که جبرئیل سه بار مکررا بر من نازل شد و فرمان خدا را بالاغ کرد که باید ولایت (علی(ع) را به مردم ابلاغ کنم. اما از آنجا که از کثرت منافقان و اندکی مؤمنان، آگاه بودم، از انجام این ماموریت سر باز میزد و میخواستم که از ابلاغ این پیام معاف شوم، تا اینکه این آیه با این صراحت نازل شد که اگر این کار را نکنی رسالت خود را ناقص گذاشتهای که بر مبنای یک واقعیت تاریخی است که اگر این دین مکانیزم ضامن سلامت خود را که امام است نداشته باشد، دچار تحریف میشود و نتیجهاش با عدم ابلاغ رسالت فرقی ندارد. سبک و سیاق سخنان رسول خدا(ص) حکایت دارد که شرایط اجتماعی جامعه مدنی و پیرامونی رسول خدا(ص) و به ویژه تأثیرگذاری جریان نفاق مدنی به حدی بود که پیامبر(ص) را علیرغم همه علائق شخصی و دلبستگیهایی که به (علی(ع) داشتند از ابلاغ فرمان الهی در مشروعیت بخشیدن به ولایت (علی(ع) نگران بودند و پیامبر(ص) را دچار تردید میکرد تا اینکه این ادبیات تهدیدآمیز قرآنی ایشان را وادار کرد که با کسب اطمینان او از صیانت الهی این پیام را به مردم منتقل کند.

ابلاغ پیام غدیر یک تکلیف است:

با وجود تأکید فراوانی که در خطبه غدیر بر موضوع ولایت علی(ع) و مقام ببیدیل ایشان به چشم میخورد، در عین حال نباید فراموش کرد که غدیر و پیام آن در حقیقت بیان مفهوم امام و امامت و مشروعیت بخشیدن به امامت دوازده امامی است که از اهلیت رسول خدا(ص) هستند و به فرمان خدا جانشینی حضرت را بر عهده دارند. لذا اینگونه میتوان گفت که غدیر خم، عید ولایت است و پیام غدیر پیام امامت و امام نیز در هر دوازده امام معصوم است. به فرازهایی از خطبه غدیر در این زمینه نگاه میکنیم. رسول خدا(ص) فرمود این مردم، دیدید که خداوند علی(ع) را بر شما، امام و ولی و اجبالاطاعهای قرار داد که همه مسلمانان اعم از مهاجران و انصار، شهرنشینان و بادیهنشینان، عجم و عرب و آزاد و برده باید از علی(ع) اطاعت کنند و پذیرش امامت او و تن دادن به لوازم این پذیرش واجب است. خداوند مولای شما و خدای شما است. پس از خدا، ولایت از آن رسول او است. رسولی که اکنون با شما سخن میگوید. پس از من علی(ع) ولی و امام شما است که به فرمان خدا است و پس از علی(ع) امامت در نسل و ذریه من است، تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید. رسول خدا(ص) فرمود، ای مردم بدانید که فرزندان من از اهل بیت من که امام شما هستند، امینان خدا بر زمین و حاکمان خدا در میان مردم هستند. ای مردم، من جانشینی خود را در فرزندان خودم و در نسل خودم به صورت پی در پی تا روز قیامت قرار دادهام و آنچه را که مامور به ابلاغ بودهام را به شما باز گفتم تا حجتی باشد بر همه آنان که هستند و نیستند و بر همه کسانی که در این عرصه غدیر حضور دارند و یا ندارند. اما نکته مهم خطبه، این فراز از جمله است که فرمود پس باید که حاضران به غایبان اطلاع دهند و باید که پدران و مادران به فرزندان، پیام غدیر را ابلاغ کنند. رمان رسول خدا(ص) همچون فرمان خدا بر هر مسلمانی واجب و لازمالاطاعه است که میخوانیم «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»، و این فرمان الهی بر همه است که رسول خدا(ص) فرمود بر همه واجب است که پیام غدیر را به عنوان یک تکلیف شرعی به دیگران ابلاغ کنند. این یک اختیار نیست بلکه یک تکلیف شرعی است. بر همه والدین واجب است که در تربیت فرزندان، پیام غدیر را به فرزندان خودشان منتقل کنند و این باور را در آنها نهادینه سازند.

اهمیت مهدویت در خطبه غدیر:

در چارچوب ابلاغ پیام الهی در غدیر خم توسط حضرت رسول(ص)، در مورد موضوع امام و امامت پس از بیان تفصیلی مقام علیبنابی طالب(ع) و امامت او به عنوان یک فریضه واجب الهی و اشاره به امامت ائمه(ع) که از فرزندان علی(ع) هستند، پیامبر اکرم(ص) اشاره تفصیلی و مبسوطی به حضرت خاتمالوصیاء یعنی امام مهدی(عج) دارند. در حقیقت در موضوع امامت، پیامبر(ص) تأکیدی بر نخستین عنوان امامت دارند و واپسین عنوان امامت را نیز حضرت مهدی(عج) معرفی میکنند و در این مورد در خطبه غدیر فرمود ای مردم بدانید که واپسین امامان خاندان ما، قائم ما مهدی(عج) امت است. او کسی است که بر همه ادیان قبل چیره میشود و او کسی خواهد بود که پیام نهایی همه ادیان الهی را ظاهر خواهد کرد. ای مردم، بدانید که مهدی(عج) ما کسی است که از همه مظلومان انتقام خواهد گرفت. بدانید که مهدی(عج) ما کسی است که همه دژهای مستکبران و ستمگران و استثمارگران را ویران میکند. بدانید که مهدی(عج) ما همه قبایل اهل شرک و کفر را مغلوب خواهد کرد و همه را به راه راست هدایت میکند. ای مردم، بدانید که خاتم اوصیاء ما، یاور دین خدا است و بدانید که او کسی است که هر صاحب فضیلتی را به اندازه فضلش در جای بایسته خود قرار میدهد، چنانکه هر ظالمی را نیز به اندازه ظلمش در جای بایستههاش قرار میدهد.

ای مردم، بدانید که مهدی(عج) ما برگزیده خدا و انتخاب شده او است و او وارث همه دانشهای همه انبیاء الهی است و به همه دانشها و فهمها احاطه دارد. بدانید که او از خدای خویش خبر خواهد داد و آیت الهی را برپا خواهد کرد. بدانید که مهدی(عج) همانی است که تمام پیشینیان به ظهور او در فرجام حیات بشر بشارت دادهاند. بدانید که او حجت و باقی مانده خدا است. هیچ حجتی بعد از او نیست، هیچ حقی جز آنچه او به همراه دارد نیست و هیچ نوری نیست مگر اینکه نزد او است، مرم بدانید که مهدی(عج) ما ولی خدا در زمین است و حکم و داور خدا در میان آفریده هایش و امانتدار خدا در پیدا و پنهان او خواهد بود.

حکم نماز و وضو بیماران کرونایی

روشن است بیمار کرونایی مانند دیگر بیماران است، حساب جدایی ندارد. به عبارت دیگر مریض شدن به این بیماری سبب ساقط شدن تکلیف نمی شود. در صورتی که پزشک استعمال آب برای وضو را منع کند بیمار باید تیمم کند

در ابتدا مرحوم سید میفرماید از شرایط استعمال آب برای وضو گرفتن مانعی اعم از مریضی، خوف عطش و مانند اینها) نداشته باشد. در این مسأله هیچ مناقشهای بیم فقها وجود ندارد و روایات بر آن دلالت می کند

اختلافی بین فقها وجود دارد که در صورت ضرر، اگر وضو بگیرد آیا وضو او باطل است؟ صاحب عروه در بخش دوم فتوای خود میفرماید آری وضو باطل است. بنابراین در صورتی که ضرر داشته باشد وضو بگیرد وضو باطل است. صحیح محمد حلبی در این رابطه حکم وضو را بیان می کند (وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۸۸، أبواب التیمم، باب ۲۵، ح ۲، ط آل البیت). سند روایت: روایت دو سند دارد که سند دوم آن هیچ اشکالی ندارد و لذا روایت صحیح است و تمسک به آن از لحاظ فقهی هیچ مشکلی ندارد

دلالت روایت: سوال می کند شخص جنب آب کمی همراه دارد اگر با آن غسل کند از تشنگی می میرد آیا غسل یا تیمم بکند؟ امام علیه السلام فرمودند بلکه تیمم می کند و نیز اگر بخواند وضو بگیر تشنه می شود و چه بسا موجب هلاکت او شود باید تیمم کند. بیمار کرونایی نیز چون آب برای او ضرر دارد باید تیمم کند.

این جزوه بر اساس دروس خارج فقه آیت الله استاد «سید احمد خاتمی» تهیه شده است. البته در مواردی از مطالب فقهی آیت الله «کعبی» و آیت الله «قائینی» نیز استفاده شده که البته در پی نوشت به آن اشاره شده است.

اقسام مباحث فقهی کرونا

مباحث فقهی کرونایی بدو قسم است: ۱. احکام تکلیفی کرونا ۲. احکام وضعی کرونا

احکام تکلیفی کرونا

- آیا واجب است بیماران کرونایی خود را قرنطینه کنند؟ - (این سؤال اختصاص به بیماری ناشی از "کرونا ویروس" ندارد و شامل دیگر بیماری های مسری مانند "ایدز" نیز می شود)؛
- حکم معاشرت غیرمبتلایان (اعم از نزدیکان و غیر آنها) با بیمار کرونایی (به طور کلی حکم صله رحم از نزدیک در ایام شیوع کرونا)؛
- رجحان یا عدم رجحان زیارت حرم ها در ایام کرونا؛ -
- حکم وضو و نماز بیماران کرونایی؛ -
- حکم وضو و نماز پرستاران بیمار کرونایی؛ -
- حکم اقامه نماز جماعت در ایام شیوع کرونا؛ -
- حکم سفر در ایام شیوع کرونا؛ -
- حکم روزه بیماران کرونایی؛
- حکم سفر حج در ایام شیوع کرونا؛ -
- حکم مصرف زکات برای مبارزه با بیماری کرونا؛ -
- حکم مصرف خمس برای مبارزه با بیماری؛ -
- حکم رعایت بهداشت فردی؛ -
- حکم توبه و استغفار و دعا برای رفع کرونا؛ -
- حکم نجاست الکحل؛ -
- نحوه تجهیز میت کرونایی اعم از غسل و تکفین و دفن و جواز تیمم میت با امکان استفاده از دستکش؛
- آیا میت کرونایی را می توان غسل ارتقاسی داد؟ -
- وظیفه دولت در این عرصه چیست؟ -

پس از شیوع ویروس کرونا در داخل و خارج از کشور عده ای با شایعه پراکنی و ایجاد شبهه تلاش کردند تا با سخن و رفتار خود تعارضی بین علم و دین ایجاد کنند، در این میان برخی افراد با دفاع از طب اسلامی به دنبال نفی طب جدید هستند و از طرف دیگر افرادی می گویند قرنطینه کردن یا نشستن در خانه و نیامدن در اجتماع، کار تفرقه افکنانه شیطان است. گروهی نیز اقدام به ایجاد چالش می کنند و توصیه پزشکی برای کاهش حداقلی این بیماری واگیردار را مغایر با توصیه اسلام برای برقراری اجتماع و جماعت می دانند یا افرادی هستند که روحانیت و مرجعیت را متهم می کنند که اجازه نمی دهند روش های علمی برای مبارزه با ویروس کرونا پیاده شود. ایجاد شبهه نسبت به بزرگان و اندیشمندان یا آموزه های علمی و دینی همواره وجود داشته است از اهل علم در حوزه های علمیه و اساتید و پژوهشگران دانشگاه ها به ویژه آنان که در رشته های الهیات و مقوله های دینی تحقیق و مطالعه دارند، ضروری است در این عرصه ورود پیدا کنند و به شبهات موجود پاسخ دهند

در این بین و در راستای پاسخگویی به سئوالات روزانه مردم، معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام اقدام به پاسخگویی به سئوالات فقهی مربوط به کرونا نموده است. این جزوه برای مبلغان دینی و روحانیون و فضلا تدوین شده است. امید است که بتواند در این عرصه تأثیر گذار باشد

احمد احمدی تبار

قائم مقام دبیرکل و معاون امور فرهنگی



نماز و وضوی پرستاران بیماران کرونایی چگونه است؟

مساله دیگر نحوه وضو و نماز پرستاران است. که در ساعات طولانی مجاز به تعویض لباس مخصوص خود نیستند. این مسأله دو صورت دارد: پرستار می تواند در ساعت و شیفت کاری لباس خود را تعویض کند

اگر پرستار می تواند در ساعت و شیفت کاری لباس خود را تعویض کند و برای نماز وضو بگیرد باید وضو بگیرد و نماز خود را با طهارت کامل انجام دهد. پرستار نمی تواند در ساعت و شیفت کاری لباس خود را تعویض کند

اگر در شرایط قرنطینه و بیمارستان وضو و تیمم ممکن نباشد از مصادیق فاقد الطهورین است. فاقد الطهورین اصطلاحی است فقهی و به مکلفی اشاره دارد که امکان طهارت با آب و تیمم را ندارد. در فقه حکم فاقد الطهورین بیان شده است؛ محقق حلی می فرماید: من عدم الماء و ما یتیمم به لقید أو حبس فی موضع نجس قیل یصلی و یعید و قیل یؤخر الصلاة حتی یرتفع العذر فإن خرج الوقت قضی و قیل یسقط الفرض أداء و قضاء و هو الأشبه. (شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلی، ج ۱، ص ۴۰)

بر طبق عبارت بالا، کسی که آب و آنچه که بشود با آن تیمم بکند را نداشته باشد (مثلا بخاطر اینکه در مکان نجس پاهای او را بسته یا حبس کرده باشند):

یک قول این است که نماز را با بدون طهارت می خواند و بعد از وقت قضاء بکند.

قول دیگر: تا زمان رفع عذر و تمکن از وضو یا تیمم نماز را به تاخیر بیندازد. اگر تا آخر وقت تمکن حاصل نشود. با خروج وقت قضای آن را بخواند

قول سوم، - نظر مشهور و محقق حلی است- اداء و قضای نماز از او ساقط می شود.

لازم به ذکر است هر مکلف باید در این مسأله به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند. آیا می توان از زکات و خمس برای مبارزه با کرونا ویروس استفاده کرد؟

مساله دیگری مطرح است از مراجع تقلید سوال شده؟ آیا می شود زکات را صرف ادوات بهداشتی برای مقابله با ویروس مانند تهیه ماسک و دستکش و به اشخاص مبتلا بدهد. آیا جایز است؟ در جواب فرمودند اشکال ندارد از خمس و زکات با رعایت ضوابط شرعیه مصرف کند و معنی ضوابط شرعیه این است که مستحقین دارای شرایط هستند. مصرف زکات در آیه سوره توبه آمده است. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

زکات به فقراء، مساکین، و کسانی که زکات را جمع آوری می کنند و کسانی که اگر به آنها زکات داده شود دل آنها متمایل به اسلام می شود، و برای آزادی برده ها و بدهکاران و فی سبیل الله داده می شود.



دانشمندان فقه شیعه پرداخت زکات از سهم «فی سبیل الله» را در موارد زیر جایز شمرده اند:

• پرداخت حق الوکاله جهت دفاع از مظلوم در دادگاه (البته قدر متیقن از ظالم دستگاه ظلم است که یک عالم دینی یا غیر عالم دینی را دستگیر کرده، و برای دفاع در مقابل ظالم هزینه پرداخت حق الوکاله را ندارد. بنابراین شامل ظلم شخصی نمی شود).

• از موارد سبیل الله اصلاح ذات البین است امام صادق علیه السلام به مفضل داد که اگر اختلاف و دعوی بین دو شیعه با صرف پول بر طرف می شود پول را برای حل دعوا مصرف کند. مفضل هم گفت که امام صادق علیه السلام پول را برای رفع اختلاف بین مومنین داده است.

• از دیگر موارد سبیل الله دفع شر و فتنه است.

• از مصادیق بارز سبیل الله کمک به حجاج و زائرین عتبات مقدسه است.

• از موارد سبیل الله اکرام علماء و طالبان علم است. البته در این دو مورد اخیر اگر تمکن مالی داشته باشند نمی توان از سبیل الله به آنها داد.

بنابراین کارهای خیر دو جور است یکی کارهای خیر فردی و کارهای خیر جمعی است و مبارزه با کرونا و اعطای ماسک و دستکش از مصالح نوعیه است یعنی خیر آن به سایر افراد هم میرسد و اختصاص به شخص خاصی ندارد زیرا اگر به او ماسک ندهند موجب سرایت بیماری به دیگران می شود. آیت الله سیستانی نیز تصریح به جواز دارند بخاطر همین مبنا است که از مصالح عمومی است. بنابراین مهار کردن این ویروس از مصالح عمومی است و شامل ضد عفونی کردن مسجد و مصلاهای نماز جمعه به ویژه جلسات مذهبی می شود و نیز شامل امکانات بهداشتی که در اختیار نمازگزاران قرار داده شود.

البته فقهای شیعه با استناد به روایات معصومین (علیهم السلام) به چنین فتوایی رسیده اند



زکات به اقسام کافر داده نمی شود. نیز به فرقه های منحرف و حتی مستضعفین آنها نمی-توان زکات پرداخت کرد مگر از سهم مولفه قلوبهم (یعنی برای متمایل کردن اشخاص به اسلام) که میتوان به آنها زکات داد. اما سهم سبیل الله را در صورتی میتوان که نیازمند شیعی وجود نداشته باشد.

محقق خویی می فرماید در صورتی میتوان از سهم سبیل الله برای غیر مومن پرداخت کرد که مصلحت شیعیان در آن باشد دلیل اختصاص این سهم به شیعه برخی روایات امامان معصوم است که ما از ذکر آن پرهیز میکنیم تا خواننده از طرح مباحث تخصصی رنجیده نشود. (برای نمونه نک: وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۹، ص ۲۱۶، أبواب المستحقین للزکاء و وقت التسلیم و النیة، باب ۳، ح ۱، ط آل البیت. و وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۹، ص ۲۱۶، أبواب المستحقین للزکاء و وقت التسلیم و النیة، باب ۳، ح ۲، ط آل البیت.)

آیا میتوان از سهم خمس برای مبارزه با کرونا استفاده کرد؟

در باره خمس، حاکم یا مرجع تقلید باید اجازه بدهد. مکلف نمی تواند بدون اجازه مرجع تقلید خمس را مصرف مبارزه با ویروس کند.

آیا میتوان از موقوفات برای مبارزه با کرونا استفاده کرد؟

استفاده از موقوفات و درآمد آنها متوقف بر نظر واقف است یعنی باید دید که واقف عین موقوفه را در نظر گرفته که برای چه مواردی خرج بشود بنابراین از موقوفات مساجد و مانند اینها را نمی توان در مبارزه با ویروس خرج کرد.



آیا تجهیز میت کرونایی (غسل، حنوط، کفن) واجب است؟

از مراجع تقلید چنین سوال شده

المسلم المتوفى بهذا المرض هل يجب تغسله غيره من الاموات او انه يكفى ان يُيممه و «
ماذا اذا لم تسمح السلطات باجراء التيمم عليه حيث تضعه الملاكات الطبية في كيس خاص مع
«مواد كيميائية حافظة و تمنع من فتح الكيس قبل الدفن؟
در مورد حنوط دادن میت کرونایی نیز سوال شده است

«اذا لم يتيسر تحنطيه بامساس مساجده السبعة بالكافور فهل له بديل يعمل به؟»

درباره تکفین میت کرونایی سوال شده

هل يجب تكفينه بالاثواب الثلاثة، و ماذا اذا لم تسمح السلطات بفتح الكيس الذي يغطي به «
«ليكفن به؟»

درباره دفن در تابوت پرسده شده

في بعض البلدان غير الاسلامية يتم حرق جثث المتوفين بالكورونا فهل يجوز السماح «
«بحرق جثة المسلم ام يجب على اهله الممانعة منه اذا وسعهم ذالك؟»

غسل میت کرونایی

سوال- در روایات درباره تغسیل میت چنین وارد شده است: « اغسله بماء و صدر» یا « اذا اردت غسل الميت فضعه على المغتسل» یا « يغسل الميت ثلاث غسلات»، آیا اگر میت در وسیله ای قرار گیرد و توسط غسل دهنده کنترل شود. و به وسیله آن میت را بر روی مغتسل قرار دهند. و بوسیله آن آب را قطع و وصل کنند و بر روی میت بریزد و بوسیله آن آب را به جاهای مختلف بدن برساند. غسل میت صحیح است؟ آیا روایات مباشرت ید را شرط کرده اند یا شرط نکرده اند؟

پاسخ اجمالی: کیفیت غسل میت با غسل مس میت و دیگر غسل ها متفاوت نیست بلکه کیفیت آنها یکی است. در غسل های متعارف مانند غسل جنابت مهم رساندن آن به بدن است و دست کشیدن به میت شرط نیست

پاسخ تفصیلی: سید یزدی در عروه می فرماید:

يجب اليقين بوصول الماء إلى جميع الأعضاء فلو كان حائل وجب رفعه، و يجب اليقين بزواله مع سبق وجوده، و مع عدم سبق وجوده يكفي الاطمئنان بعدمه بعد الفحص . (العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ١)، برطبق عبارت بالا واجب است در رسیدن آب به بدن مانعی در غسل نباشد. یعنی صرف مانع نبودن کافیت که غسل صحیح باشد و هیچ فقیهی نگفته است که برای صحت غسل میت، تماس دست با بدن میت شرط است. لذا در جای دیگر عروه می فرماید: يجوز الغسل تحت المطر و تحت الميزاب ترتيباً (العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ١، ص ٥٣١). یعنی میتوان زیر ناودان و زیر باران ایستاد و غسل انجام داد

امام راحل در پاسخ به یک استفتاء تصریح می کنند، دست کشیدن لازم نیست:

سوال- در غسل واجب با توجه به اینکه امروزه از دوش آب در حمامها استفاده می شود گاه فرد موفق بشستن همه نقاط بدنش با دست نمی شود با اینکه آب به تمام نقاط بدنش رسیده است آیا این چنین غسلی صحیح است؟

جواب: دست کشیدن لازم نیست و چنانچه آب به تمام عضو برسد با نیت غسل کفایت می کند. (موسوعة الإمام الخميني ٣٢ الى ٤١) (استفتانات امام خمینی (س))، الخميني، السيد روح الله، ج ١، ص ٢١٩)

برای ملاحظه روایاتی که این حکم از آن استنباط میشود به منابع تخصصی فقه مراجعه فرمایید. (برای نمونه نک: وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٢، ص ٤٧٩، أبواب غسل الميت، باب ٢، ح ١، ط آل البيت. و وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٢، ص ٤٨٠، أبواب غسل الميت، باب ٢، ح ٣، ط آل البيت. و وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٢، ص ٤٨١، أبواب غسل الميت، باب ٢، ح ٤، ط آل البيت.)

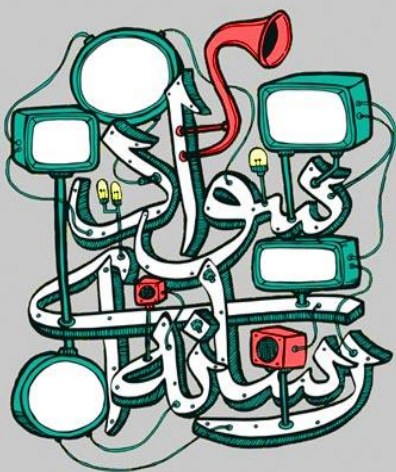
بنابراین به نظر می رسد میت کرونایی را باید غسل بدهند و اگر ممکن نبود باید تیمم بدهند.

سواد رسانه‌ای: در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از
یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان
انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آن‌ها را شناخت و از
یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد

سه جنبه سواد رسانه‌ای •

سواد رسانه‌ای یک موضوع متضلع است که قدرت درک مخاطبان از نحوه کارکرد
رسانه‌ها و شیوه‌های معنی‌سازی در آنها را طرف توجه قرار می‌دهد و می‌کوشد این
واکاوی را برای مخاطبان به یک عادت و وظیفه تبدیل کند

سواد رسانه‌ای را می‌توان بستر منطقی دسترسی، تجزیه و تحلیل و تولید ارتباط در
شکل‌های گوناگون رسانه‌ای و در همین حال تامین شرایط مصرف محتوای رسانه‌ای از
منظر انتقادی دانست



چند نکته اساسی را می‌توان از بیانات مقام معظم رهبری درباره نحوه برخورد با فناوری‌های نوین برداشت کرد:

فرهنگ، تقلیدپذیر نیست. برخلاف علم که می‌توان موارد مفید آن را از دیگران دریافت کرد

برتری علمی به هیچ‌وجه برتری فرهنگی نمی‌آورد؛

بیگانگان در نفوذ فرهنگی خود فقط به یک جنبه بسنده نکرده بلکه، همه جوانب فرهنگی جامعه را در نظر می‌گیرند؛

اباحیگری در دین و اخلاق از مهم‌ترین اهداف صدور فرهنگ غرب و بیگانه به جوامع اسلامی است؛

خطر تسلط فرهنگی به مراتب بیشتر و ویران‌کننده‌تر از تسلط اقتصادی و سیاسی است

فناوری‌های نوین و رسانه‌های گروهی نوظهور در صورتی می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند که فاقد ویژگی‌های زیر باشند:

مخل آسایش و امنیت فردی و اجتماعی نباشند؛

مضر به حال عقاید دینی و آداب و رسوم ملی نباشند؛

در راستای تخریب اصول اساسی انقلاب اسلامی نباشند؛

با هدف ترویج فحشا از قبیل عکس، صوت، فیلم، مجلات مبتذل و انحرافی و... نباشند؛

رسانه‌های خودی در مواجهه با این رسانه‌ها موظفند این موارد را رعایت کنند:

استقلال فکری و عملی داشتن رسانه‌های خودی با تکیه بر قاعده «نه شرقی و نه غربی؛ جمهوری اسلامی»

ترویج فرهنگ اصیل و غنی خود و مقابله با فرهنگ‌های بی‌ریشه و تحمیلی بیگانه؛

زدودن غبار غربت و انزوا از چهره مفاهیم عمیق و حقایق درخشان اسلام و انقلاب با بهترین شیوه‌ها و بلیغ‌ترین زبان‌ها؛

مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق رفتاری جامعه، جهت‌دهی به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت و زدودن احساس عقب‌ماندگی؛

خود را قرارگاه خط مقدم مقابله با جنگ نرم بدانند؛

قرار گرفتن مدیران و کارمندان رسانه‌های خودی جزء سرداران و سربازان جنگ نرم؛